



Shiraz University
RICEST
ISC

ISSN: 2008-7926

Journal of

Legal Studies

Scientific

Vol. 18, Issue 2, Summer 2026

JLS

Journal of Legal Studies

Journal Homepage: <https://jls.shirazu.ac.ir/>
doi: <https://10.22099/jls.2025.53523.5344>



Research Article

Clear and Convincing Evidence in Patent Invalidation Proceedings: Emphasis on U.S. Law with a View to Iranian Law

Simin Abbasi*

Ph.D in Jurisprudence and Private Law, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran

Article history:

Received: 18-06-2025

Accepted: 16-08-2025

Abstract

Introduction

Ensuring a balance between the rights of patent holders and economic actors, particularly third parties using registered technologies, is a fundamental goal of patent law in advanced systems, especially in the United States. A primary tool for achieving this balance is establishing an appropriate standard of proof for patent invalidity claims—one that prevents legal instability for inventors while allowing the removal of patents lacking legal requirements or genuine innovation. In the U.S., courts apply the "clear and convincing evidence" standard to prove patent invalidity. This standard is more stringent than the "preponderance of the evidence" standard and is designed to protect inventors and promote investment confidence in the technology market. However, critics argue that this standard may create significant barriers to challenging weak or non-innovative patents, with notable economic, competitive, and innovation-related consequences.

Please cite this article as:

Abbasi, S (2026). Clear and Convincing Evidence in Patent Invalidation Proceedings: Emphasis on U.S. Law with a View to Iranian Law. *Journal of Legal Studies*, 18(2), 379-418.
doi: <https://10.22099/jls.2025.53523.5344>

* Corresponding author:

E-mail address: std_abbasi378@khu.ac.ir

Conversely, Iranian patent law lacks a clear statutory provision regarding the standard of proof in invalidity claims, highlighting the importance of examining foreign experiences and analyzing the effects of the U.S. standard. This study aims to analyze the role and impact of the "clear and convincing evidence" standard in the U.S. and compare it with the situation in Iran to suggest improvements for legal certainty and investment protection.

Methods

This research adopts a descriptive and analytical approach with comparative elements between the U.S. and Iranian legal systems. Initially, the fundamental concepts of evidentiary standards in U.S. law and their application in patent invalidity claims are examined, along with their legal, economic, and innovative implications. Using legal documents, landmark judicial decisions, and scholarly studies, the study evaluates the application of the "clear and convincing evidence" standard in the U.S. legal system. Subsequently, the situation in Iran is analyzed to identify legal and procedural gaps, as well as their consequences for legal stability and investment security. Finally, recommendations are proposed for improving the review process, clarifying the evidentiary standard, and enhancing the analytical role of judges while reducing overreliance on technical experts.

Findings

The findings indicate that the "clear and convincing evidence" standard in the United States plays a crucial role in protecting patent holders and ensuring that valid patents remain enforceable in the market. Nevertheless, this standard has, in certain cases, allowed weak or legally flawed patents to persist solely due to the difficulty of proving invalidity, preventing competitors from effectively challenging them. Administrative pathways, such as the Patent Trial and Appeal Board, which apply the less stringent "preponderance of the evidence" standard, offer a flexible, faster, and lower-cost mechanism for examining weak patents. In Iran, the absence of a defined standard has resulted in excessive reliance on technical experts, weakened judicial analytical assessment, and significant inconsistencies in court decisions. This situation reduces predictability, creates legal instability, undermines confidence among economic actors, and provides opportunities for abuse by certain parties, complicating and prolonging patent invalidation proceedings. Comparative analysis shows that adopting a structured evidentiary framework can both protect legitimate inventions and prevent weak patents from obstructing competition and innovation.

Conclusions

Based on these findings, the "clear and convincing evidence" standard in the United States, despite its challenges, is an effective tool for maintaining legal stability in patent rights and securing inventors' investments. In contrast, the Iranian legal system requires substantial reform to establish a clear, predictable, and reliable standard of proof in patent invalidity claims. Legislators could draw on U.S. experiences to create a framework that ensures both the protection of patent holders and the possibility of invalidating improperly granted patents. Enhancing judges' technical and legal expertise and reducing overreliance on experts can bring the review process closer to a coherent and balanced system. Moreover, implementing mechanisms such as issuing "golden patents" or improving administrative review procedures could increase investment security, maintain inventors' rights, and strengthen the balance between patent holders and economic actors, while fostering healthy competition, innovation, and the development of a knowledge-based economy. This approach offers a model for harmonizing legal certainty, innovation promotion, and economic efficiency in patent systems.

Keywords: American Invents Act, Beyond a Reasonable Doubt, Preponderance of the Evidence, Presumption of Patent Validity, the Burden of Proof.

.



شواهد روشن و قانع کننده در دعاوی ابطال اختراع با تأکید بر حقوق آمریکا و نگاهی به حقوق ایران

سیمین عباسی*

دانش آموخته دکتری فقه و حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۸

اطلاعات مقاله

چکیده

بی تردید توازن میان حمایت از حقوق مخترعان و حفظ منافع عمومی، از اهداف اساسی نظام حقوق اختراع در ایالات متحده است. یکی از مهم ترین ابزارهای تحقق این هدف، معیار اثباتی «شواهد روشن و قانع کننده» در دعاوی ابطال اختراع است که با تعیین بار اثبات سنگین، به ثبات گواهی نامه های ثبت شده کمک می کند. با این حال، منتقدان بر این باورند که این معیار، ابطال اختراعات فاقد کیفیت را دشوار ساخته و تعادل را به نفع مخترعان تغییر داده است. پرسش محوری این مقاله آن است که این معیار در نظام حقوقی ایالات متحده چه جایگاهی دارد و چگونه بر امکان ابطال اختراعات ناموجه و توازن میان حقوق مخترعان و منافع عمومی اثر می گذارد؟ و فقدان آن در حقوق ایران چه پیامدهایی به همراه دارد؟ پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه تطبیقی انجام شده است. یافته ها نشان

استناد به این مقاله:

عباسی، سیمین (۱۴۰۵). شواهد روشن و قانع کننده در دعاوی ابطال اختراع با تأکید بر حقوق آمریکا و نگاهی به حقوق ایران. *مجله مطالعات حقوقی*. ۱۸ (۲). ۴۱۸-۳۷۹.

E-mail address: std_abbasi378@khu.ac.ir

* نویسنده مسئول:

می‌دهد که این معیار در آمریکا، با وجود انتقادهای، به نفع مالکان اختراع اعمال می‌شود و در ایران فقدان معیار مشخص، موجب ناهمگونی رویه و کاهش پیش‌بینی پذیری می‌شود. نتیجه آنکه، تعیین معیار اثباتی روشن در حقوق ایران ضروری است.

واژگان کلیدی: بار اثبات، فرض اعتبار حق اختراع، فراتر از تردید معقول، دلایل ارجح، قانون ابتکارات آمریکا.

سرآغاز

در نظام‌های دادرسی، «معیار» یا «استاندارد اثبات» به سطحی از اقناع اطلاق می‌شود که طرف دعوا باید برای اثبات ادعای خود، نزد دادگاه فراهم آورد. این معیار تعیین می‌کند که قاضی با چه میزان اطمینان می‌تواند ادعا را بپذیرد و بر اساس آن رأی صادر کند. معیارهای اثبات، نقش بنیادینی در تضمین دادرسی عادلانه ایفا می‌کنند و بسته به اهمیت موضوع و نوع دعوا، ممکن است درجات مختلفی داشته باشند.

بی‌تردید، معیارهای اثبات از ارکان اساسی نظام دادرسی آمریکا به شمار می‌روند و در تعیین میزان اطمینان لازم، برای صدور رأی نقش کلیدی دارند. یکی از معیارهایی که به‌ویژه در این نظام مورد بحث و توجه است، معیار «شواهد روشن و قانع کننده»^۱ است. این معیار که سطح آن بالاتر از «ترجیح ادله»^۲ و پایین‌تر از «شک فراتر از حد معقول»^۳ است، در برخی دعاوی خاص، از جمله دعوی ابطال ثبت اختراع، کاربرد دارد. مسئله اصلی این است که اعمال این معیار در دعاوی ابطال اختراع ممکن است تعادل میان حقوق صاحبان اختراع و ناقضان را برهم زند؛ این چالش باعث شده است برخی نسبت به کاربرد آن تردید داشته باشند.

در مقابل، در نظام حقوقی ایران، معیارهای اثبات به صورت دقیق و طبقه‌بندی شده تعیین نشده‌اند و اشاره‌ای به معیار «شواهد روشن و قانع کننده» در متون قانونی مشاهده نمی‌شود. این خلأ می‌تواند در رسیدگی به دعاوی حقوق مالکیت فکری، به‌ویژه در مواردی که اصل حق مورد تردید قرار می‌گیرد، مشکلاتی ایجاد کند.

در ادبیات حقوقی ایران، اگرچه به‌طور مستقیم به معیار «دلایل روشن و قانع کننده» در زمینه ابطال ثبت اختراع پرداخته نشده است، اما برخی پژوهش‌ها به بررسی مبانی و معیارهای اثبات در حوزه‌های دیگر توجه کرده‌اند. برای نمونه، دلشاد معارف و

-
1. Clear and Convincing Evidence
 2. Prepondance of Evidence
 3. Beyond a Reasonable Doubt

امینی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی دلیل و ضابطه اثبات در داوری تجاری بین‌المللی»، میدانی (۱۳۹۱) در مقاله «ضابطه یا استاندارد دعوی در رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری» و ملاولی (۱۴۰۱) در مقاله «حد لازم برای دلیل‌آوری و نیل به آستانه اثبات در فقه اسلامی و نظام‌های حقوقی»، به مباحث مربوط به معیار اثبات پرداخته‌اند. هرچند این منابع مستقیماً به موضوع ابطال ثبت اختراع نپرداخته‌اند، اما از منظر نظری می‌توان یافته‌های آن‌ها را در تبیین مبانی بار اثبات و استانداردهای دلیل‌آوری در دعاوی حقوق مالکیت فکری به کار بست. در مقابل، در حقوق آمریکا تحقیقات متعددی در این حوزه وجود دارد که در این مقاله نیز مورد استفاده قرار گرفته است. از این‌رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل معیار «شواهد روشن و قانع‌کننده» در دعوی ابطال ثبت اختراع در نظام حقوقی ایالات متحده و بررسی وضعیت آن در ایران، در پی روشن‌سازی ابعاد و چالش‌های این موضوع است؛ به‌ویژه اینکه آیا به‌کارگیری این معیار موجب اختلال در توازن میان حفظ حقوق دارندگان اختراع و فعالان اقتصادی ناقض می‌شود یا خیر. همچنین، این مقاله تلاش دارد نشان دهد که فقدان معیارهای دقیق اثبات در نظام حقوقی ایران چه تأثیری بر اثبات دعوی ابطال و کارآمدی دادرسی دارد.

در این مقاله، روش تحقیق به‌صورت توصیفی - تحلیلی انتخاب شده و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، مقالات علمی و بررسی رویه‌های قضایی انجام شده است. داده‌ها به شکل کیفی جمع‌آوری و تحلیل شده‌اند تا جنبه‌های مختلف موضوع به‌طور جامع بررسی شود.

در نظام حقوقی ایالات متحده، با وجود سابقه قابل‌توجه در به‌کارگیری معیار «شواهد روشن و قانع‌کننده»، همچنان چالش‌هایی پیرامون میزان حمایت از اختراعات ضعیف و تأثیر آن بر رقابت و نوآوری وجود دارد؛ بنابراین، انجام پژوهشی در جهت تحلیل نحوه اعمال این معیار در حقوق آمریکا و بررسی امکان بهره‌گیری از تجربه‌های این نظام برای تقویت فرایند اثبات دعاوی ابطال در ایران ضرورت بالایی دارد. این تحقیق

می تواند خلأ نظری موجود را پرکرده و همچنین، مبنایی برای اصلاحات قانونی و رویه ای در نظام حقوق مالکیت فکری کشور فراهم آورد.

پرسش اصلی این پژوهش این است که معیار «شواهد روشن و قانع کننده» در دعاوی ابطال اختراعات چه جایگاهی در نظام حقوقی ایالات متحده دارد؟ این معیار چه تأثیری بر امکان ابطال ثبت اختراعات ناموجه و توازن میان حقوق دارندگان اختراع و منافع عمومی دارد؟ و در مقایسه با آن، فقدان چنین معیاری در نظام حقوقی ایران چه پیامدهایی به دنبال دارد؟

برای سازمان دهی بحث، ابتدا جهت تبیین بهتر مفاهیم و مبانی، مفهوم معیار «شواهد روشن و قانع کننده» و تفاوت آن با سایر معیارهای اثبات معمول در حقوق آمریکا شرح داده می شود. سپس، رویه اعمال این معیار در مراجع قضایی آمریکا مورد بررسی قرار می گیرد و معیار اثباتی متفاوت در مراجع اداری و اثرات آن نیز تحلیل می شود. در ادامه، دیدگاه های موافقان و ادله آنها در حمایت از اعمال معیار «شواهد روشن و قانع کننده» و سپس استدلال های مخالفان آن تحلیل خواهد شد. در پایان نیز مروری بر وضعیت حقوقی ایران صورت می گیرد و پیشنهادهایی ارائه می شود.

۱. مفاهیم و مبانی

در آغاز، به منظور تبیین دقیق تر موضوع، مفهوم معیار «شواهد روشن و قانع کننده»، تفاوت این معیار با سایر معیارهای اثبات معمول در حقوق آمریکا و مبانی نظری آن مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۱. مفهوم شواهد روشن و قانع کننده

اثبات ادعا، دارای دو مفهوم اساسی است: بار اثبات و حد اثبات. بار اثبات به تکلیف اثباتی اطلاق می شود و حد اثبات، میزان این تکلیف را تعیین می کند. این حد، درواقع سطحی از باور و اطمینان است که اگر قاضی یا مرجع رسیدگی کننده بر اساس ارزیابی

دلایل و شواهد ارائه شده به آن برسد، وقوع واقعه مورد ادعا را محقق دانسته و آن را می‌پذیرد؛ بنابراین، ضابطه اثبات تنها به نوع و کیفیت دلایل محدود نمی‌شود، بلکه ارتباط مستقیم با میزان اقناع ذهنی تصمیم‌گیرنده دارد که این میزان، تابع ارزیابی دقیق نوع، کیفیت و اعتبار دلایل و شواهد است. این مفهوم ممکن است در نظام‌های حقوقی مختلف با تعبیر گوناگونی بیان شود، اما جوهره آن تعیین حدی است که عبور از آن به معنای پذیرش واقعه موردنظر خواهد بود (دلیر، دلشاد و امینی، ۱۴۰۲: ۲۴۷).

معیار «شواهد روشن و قانع‌کننده» در حقوق آمریکا چندان شفاف و قابل فهم نیست و مراجع عالی قضایی نیز به این مسئله اذعان داشته‌اند. در دستورالعمل‌ها و پرونده‌ها تلاش شده تا این مفهوم توضیح داده شود. در تمامی دستورالعمل‌های قضایی که مستلزم اعمال معیار «دلیل روشن و قانع‌کننده» هستند، این عبارت به طور صریح به کار رفته است. با این حال، از آنجا که درک این معیار ممکن است دشوار باشد، پیشنهاد شده است از تعبیر ساده‌تر و قابل فهم‌تری مانند «بسیار محتمل»^۱ به عنوان معادل مفهومی استفاده شود. برای مثال، در دستورالعمل V.4 با عنوان «خلاصه‌ای از دفاعیات مبتنی بر بطلان» آمده است که معیار «روشن و قانع‌کننده» را می‌توان به این صورت بازنویسی کرد: «خواننده باید اثبات کند که بسیار محتمل است ادعای مطرح شده باطل باشد». البته این جایگزینی در همه موارد مناسب نیست و باید بسته به شرایط پرونده و با صلاحدید دادگاه صورت گیرد. دیوان عالی آمریکا نیز در پرونده‌های مختلف سعی کرده این معیار را روشن‌تر کند. به عنوان نمونه، در پرونده Colorado v. New Mexico, 467 U.S. 310, 316 (1984) تصریح شده است که معیار «دلیل روشن و قانع‌کننده» زمانی تحقق می‌یابد که شواهد ارائه شده، اقناع مستحکم وجدان تصمیم‌گیرنده را نسبت به صحت ادعاهای واقعی ارائه کننده فراهم آورند. به بیان دقیق‌تر، این شواهد باید به گونه‌ای قاطع و آشکار، کفه ترازو را به نفع ارائه‌کننده سنگین کنند و در مقایسه با

شواهد طرف مقابل، برتری روشنی داشته باشند (American Intellectual Property Law Association, 2024: 6). برای مثال، دعوای میان مالک کشتی و شرکت بیمه را در نظر بگیرید. شرکت بیمه با استناد به نظر کارشناسی ادعا می کند که غرق شدن کشتی ناشی از استهلاک بوده و این حادثه از خطرات دریایی نبوده است و بنابراین ادعای خود را خلاف ظاهر تعهد بیمه مطرح می کند. در چنین شرایطی، زمانی که این ادعا باید با معیار «شواهد روشن و قانع کننده» اثبات شود، شرکت بیمه موظف است دلایلی همچون سابقه تعمیرات ناموفق، اختراهای قبلی، پرداخت های بانکی جهت تعمیرات و موارد مشابه را ارائه دهد که بتواند به صورت روشن و قانع کننده قاضی را نسبت به صحت ادعایش اقناع کند.

۱-۲. تفاوت معیار «روشن و قانع کننده» با سایر معیارهای اثبات

در حقوق آمریکا، معیارهای مهم دیگری مانند «ترجیح ادله» و «فرا تر از شک معقول» نیز هر یک در جایگاه خاص خود به کار می روند و فهم دقیق این معیارها نقش کلیدی در تحلیل تصمیمات دادگاه ها و ارزیابی اثربخشی نظام حقوقی در حمایت از حقوق طرفین دارد.

معیار «ترجیح ادله» یا «دلیل ارجح» در دعاوی مدنی به عنوان یک معیار متعارف به کار می رود. در دعاوی مربوط به اختراع، مانند دعوی نقض نیز می توان بر اساس این معیار اثباتی ساده تصمیم گیری کرد. «دلیل ارجح» به معنای آن است که احتمال صحت ادعای مدعی کمی بیش از ۵۰ درصد نسبت به ادعای طرف مقابل باشد و دلایل او کمی قوی تر از دیگری باشد.

در حقوق کیفری، از معیار «فرا تر از شک معقول»^۱ استفاده می شود که نزدیک به اطمینان کامل و سنگین ترین سطح بار اثبات در نظام حقوقی ایالات متحده است و منجر

1. Beyond a Reasonable Doubt

به تفسیر به نفع متهم می‌شود. هرچند معیار «شواهد روشن و قانع‌کننده» ملایم‌تر از «فراتر از شک معقول» است، با این وجود، مانع بزرگی برای اثبات ادعا از سوی طرف مدعی ایجاد می‌کند (Dubis, 2015: 130-131).

به‌طور خلاصه، معیار «ادله ارجح» به‌عنوان سبک‌ترین سطح اثبات در دعاوی مدنی مطرح است، درحالی‌که معیار «فراتر از شک معقول» با بالاترین سطح اطمینان، اساس دادرسی کیفری را شکل می‌دهد. در این میان، معیار «شواهد روشن و قانع‌کننده» که در حقوق بنیادین و دعاوی خاصی مانند ابطال اختراع به کار می‌رود، جایگاهی میانه دارد؛ اما همچنان بار اثبات قابل‌توجهی را بر دوش مدعی می‌گذارد و تأثیر فراوانی بر حقوق طرفین دعوی دارد.

۱-۳. مبانی معیار اثبات «شواهد روشن و قانع‌کننده»

در خصوص مبانی معیار اثبات «شواهد روشن و قانع‌کننده» دو دیدگاه اصلی وجود دارد: عده‌ای آن را مبتنی بر قانون می‌دانند و برخی دیگر، منشأ آن را رویه قضایی می‌دانند. در ادامه، این دو دیدگاه معرفی و بررسی می‌شوند.

یکی از دیدگاه‌ها بر این باور است که این معیار، از اصل فرض اعتبار قانونی^۱ ناشی می‌شود. بر اساس ماده ۲۸۲ قانون ثبت اختراعات ایالات متحده، اصل بر آن است که اختراع ثبت شده دارای اعتبار قانونی است؛ به این معنا که فرایند ثبت آن، صحیح و مطابق با مقررات قانونی طی شده است. درنتیجه، چنانچه طرف مقابل بخواهد بی‌اعتباری اختراع را اثبات کند، بار اثبات بر عهده اوست تا بر این فرض قانونی که عملکرد مرجع رسمی ثبت صحیح بوده است، غلبه کند (Bock, 2014: 32).

در پرونده Radio Corp. of America v. Radio Engineering Laboratories، به بررسی پیشینه تاریخی اصل فرض اعتبار پرداخته شد تا روشن شود مقصود از «بار اثبات سنگین‌تر» چیست. نتیجه آن بود که مدعی بطلان اختراع باید «دلایلی روشن و

قاطع» ارائه کند تا ادعای خود را به اثبات برساند. این تعبیر، به تدریج به معیار شناخته شده امروزی یعنی «شواهد روشن و قانع کننده» تحول یافت، به ویژه پس از آن که قانون ثبت اختراع سال ۱۹۵۲، این اصل را به صورت رسمی در بند ۲۸۲ قانون ثبت اختراعات درج کرد.

با استناد به رأی RCA، قاضی جایلز ریچ - یکی از سه نویسنده اصلی قانون ثبت اختراع سال ۱۹۵۲ - مبنای این بند قانونی را به گونه ای تفسیر کرد که بار اثبات همواره به شکل معیار «شواهد روشن و قانع کننده» باقی بماند؛ به این معنا که مدعی بطلان باید دادگاه را با دلایلی قاطع و روشن متقاعد سازد (Conway, 2018: 1470-1471).

این فرض اعتبار قانونی، از سوی بسیاری از دادگاه ها نیز به عنوان مبنای هنجاری برای اعمال این معیار سخت گیرانه در رسیدگی به دعاوی ابطال اختراع مورد پذیرش قرار گرفته است. دیوان فدرال ایالات متحده، فرض اعتبار و معیار «شواهد روشن و قانع کننده» را در واقع دو بیان متفاوت از یک مفهوم واحد تلقی کرده است (Bock, 2014: 7).

در مقابل دیدگاه پیشین، گروهی از صاحب نظران معتقدند که اگرچه طبق ماده ۲۸۲ قانون ثبت اختراعات ایالات متحده 35U.S.C §282، اختراعات ثبت شده از فرض اعتبار برخوردارند و بار اثبات بی اعتباری بر عهده مدعی قرار می گیرد، اما این فرض صرفاً یک قاعده شکلی برای توزیع بار اثبات محسوب می شود و دلالتی بر سطح یا شدت معیار اثبات ندارد.

از دیدگاه این دسته از تحلیل گران، فرض اعتبار به تنهایی نمی تواند مبنای حقوقی الزام به ارائه شواهد «روشن و قانع کننده» باشد؛ زیرا مقرر قانونی مذکور صراحتاً هیچ معیاری برای سطح اثبات تعیین نکرده است. به عبارت دیگر، پیوند میان فرض اعتبار و معیار «شواهد روشن و قانع کننده» بیش از آنکه مبتنی بر نص یا مفهوم صریح قانون باشد، محصول تفسیرهای قضایی و رویه های دادگاه ها بوده است (Seaman, 2015: 1). از این منظر، استناد به فرض اعتبار به منظور توجیه به کارگیری معیاری سخت گیرانه برای

اثبات، نه تنها فاقد مبنای قانونی روشن است، بلکه می‌تواند مانعی برای اجرای مؤثر سازوکارهای اصلاحی همچون ابطال اختراعات غیرموجه و ضعیف محسوب شود. تحلیل‌های این گروه نشان می‌دهد که بین، بار اثبات (Burden of Proof) و معیار اثبات (Standard of Proof) باید تفاوت قائل شد؛ فرض اعتبار تنها به بار اثبات ناظر است، نه به سطح اثبات لازم برای پذیرش ادعا (Conway, 2018: 1470-1471). در مجموع، این اختلاف‌نظرها بیانگر چالش‌های مفهومی و اجرایی در تعیین مبنای دقیق معیار «شواهد روشن و قانع‌کننده» در چارچوب دعاوی ابطال اختراع هستند و اهمیت تحلیل عمیق‌تر نقش قانون‌گذار و مراجع قضایی را در تعیین و تبیین این معیار نشان می‌دهند.

۲. رویه در مراجع قضایی

برای بررسی وضعیت و نحوه اعمال معیار اثباتی «شواهد روشن و قانع‌کننده» در حقوق ایالات متحده، ابتدا به بررسی یکی از مهم‌ترین پرونده‌ها در این زمینه یعنی Microsoft Corp. v. i4i Ltd. Partnership پرداخته می‌شود. سپس به یکی از اختلافات کلیدی در خصوص قلمرو و دامنه کاربرد این معیار اشاره خواهد شد.

۱-۲. پرونده Microsoft Corp. v. i4i Ltd. Partnership

پرونده Microsoft v. i4i یکی از مهم‌ترین دعاوی مربوط به بحث معیار اثبات در نظام ثبت اختراع ایالات متحده به شمار می‌رود. در این پرونده، شرکت i4i علیه شرکت مایکروسافت، به دلیل نقض حق اختراع اقامه دعوا کرد و شرکت مایکروسافت نیز در مقام دفاع، اعتبار اختراع مذکور را زیر سؤال برد و ادعای بطلان اختراع را مطرح کرد. نکته مهم آن بود که در زمان بررسی اختراع مورد اختلاف، اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری آمریکا (USPTO) به مستندات مربوط به دانش پیشین ارائه شده توسط مایکروسافت توجه نکرده بود. مایکروسافت، ضمن اذعان به اینکه بار اثبات بی‌اعتباری

بر عهده اوست، مدعی شد که ماده ۲۸۲ قانون اختراعات الزاماً معیار «شواهد روشن و قانع کننده» را مقرر نمی‌دارد، بلکه در مواردی که مستندات ارائه شده توسط ممتحن اداره ثبت بررسی نشده‌اند، باید معیار سبک‌تری نظیر رجحان ادله (Preponderance of the Evidence) کفایت کند (Vishnubhakat, 2022: 123).

دیوان عالی اما استدلال مایکروسافت را نپذیرفت و با تأیید نظر شرکت i4i، تصریح کرد که عبارت «فرض اعتبار» در زمان تصویب قانون در سال ۱۹۵۲، دارای معنایی تثبیت شده در عرف حقوقی بوده است و به‌وضوح مستلزم به‌کارگیری استاندارد اثباتی شدیدتری است. از نظر دیوان، صرف عدم ذکر صریح در متن قانون، به معنای قصد قانون‌گذار برای کنار گذاشتن معیار «شواهد روشن و قانع کننده» نیست. دیوان، بر این نکته تأکید کرد که این برداشت مبتنی بر اصول بنیادین تفسیر قوانین، به‌ویژه اصل رجوع به معنای عرفی اصطلاحات حقوقی در زمان تدوین قانون است (Conway, 2018: 1470). بااین‌حال، دیوان تصریح کرد که دانش پیشین بررسی نشده توسط ممتحن می‌تواند نقش مهمی در دفاع از بطلان ایفا کند و در ارزیابی اعتبار اختراع مورد توجه قرار گیرد (Seaman, 2015: 1).

درنهایت، رأی صادره در این پرونده نقش کلیدی در تثبیت جایگاه معیار «شواهد روشن و قانع کننده» در دعاوی ابطال اختراع ایفا کرد. در عین حفظ این معیار سخت‌گیرانه، دیوان فضای محدودی برای پذیرش و تأثیرگذاری شواهد جدید در فرایند بررسی اعتبار اختراع باقی گذاشت.

۲-۲. قلمرو اعمال معیار اثبات روشن و قانع کننده

در نظام قضایی ایالات متحده، در خصوص دامنه اعمال معیار «شواهد روشن و قانع کننده» بر موضوعات حکمی، به‌ویژه در زمینه مصادیق قابل ثبت به‌عنوان اختراع^۱، اختلاف نظرهایی میان دادگاه‌ها شکل گرفته است. برخی محاکم تصریح کرده‌اند که صرفاً

در خصوص عناصر موضوعی بی‌اعتباری، طرفی که اعتبار ثبت اختراع را به چالش می‌کشد باید بار اثبات را با تکیه بر این معیار سنگین بر دوش بکشد. این تفسیر با دیدگاه قاضی برابر در پرونده *Microsoft Corp. v. i4i Ltd. Partnership* هم‌سو است. مطابق این نظر، دادگاه‌های بدوی نباید در ارزیابی نهایی خود نسبت به مسائل حکمی، این استاندارد سخت‌گیرانه را اعمال کنند، بلکه باید آن را محدود به سؤالات موضوعی نظیر زمان نخستین فروش یا افشای عمومی محصول بدانند (*Gugliuzza*, 2022: 1415).

این مسئله، به‌ویژه در مورد تشخیص مصادیق قابل ثبت، به یکی از چالش‌های مهم بدل شده است. از آنجا که این مصادیق اغلب در شمار مسائل حکمی قرار می‌گیرند، برخی دادگاه‌ها معتقدند که نباید مشمول معیار «روشن و قانع‌کننده» تلقی شوند. در مقابل، گروهی دیگر ضمن پذیرش این دسته‌بندی، بر این باورند که در صورت طرح سؤالات موضوعی در این زمینه، همچنان باید معیار مزبور اعمال شود. در همین راستا، دسته سوم از دادگاه‌ها پا را فراتر نهاده‌اند و اظهار داشته‌اند که چالش‌های مرتبط با مصادیق قابل ثبت، درهرحال، باید مشمول این استاندارد اثباتی سخت‌گیرانه باشند.

رای حوزه فدرال در پرونده *Berkheimer v. HP Inc.* با اذعان به امکان وجود سؤالات موضوعی در دعاوی ناظر به مصادیق قابل ثبت، بر پیچیدگی‌ها و ابهامات مربوط به نحوه اعمال این معیار در حوزه مزبور افزوده است (Conway, 2018: 1463-1464). مخالفان اعمال این معیار در خصوص مصادیق قابل ثبت بر این باورند که این دسته از مصادیق، دروازه ورود به‌نظام ثبت اختراع را تشکیل می‌دهند و باید در مراحل ابتدایی رسیدگی، مورد ارزیابی قرار گیرند تا از طرح دعاوی بی‌پایه یا آزاردهنده پیشگیری و منافع عمومی نیز حفظ شود. به باور آنان، فرایند بررسی این مصادیق توسط اداره ثبت اختراعات ایالات‌متحده، از دقت و سخت‌گیری چندانی برخوردار نیست که شایسته حمایت با یک معیار اثباتی قوی‌تر باشد (Conway, 2018: 1479-1480).

در مقابل، برخی دادگاه‌ها بر این باورند که تبعیت از رأی i4i و تعمیم معیار «شواهد روشن و قانع کننده» به تمامی دعاوی ابطال اختراع، بیشترین انطباق را با رویه قضایی موجود و اصول بنیادین حقوق ثبت اختراع دارد (Conway, 2018: 1485-1486). بررسی سایر رویه‌های قضایی، به‌ویژه در زمینه‌هایی نظیر «مانع فروش»^۱ و «بدیهی نبودن»^۲، نشان می‌دهد که نظام حقوقی ثبت اختراع در عمل هرگز موفق به محدود ساختن کاربرد این معیار به مسائل صرفاً موضوعی نشده است؛ بلکه دادگاه‌ها این استاندارد را بدون توجه به ماهیت حکمی یا واقعی مسئله، به‌صورت گسترده به کار بسته‌اند. از این رو، می‌توان استدلال کرد که در دعاوی مربوط به مصادیق قابل ثبت نیز، قضات باید به این معیار سخت‌گیرانه وفادار بمانند (Rollor, 2013: 1463). طرفداران این رویکرد معتقدند که مبنای آن، پیشینه‌ای حقوقی است که ریشه در نزدیک به یک قرن رویه قضایی دیوان عالی ایالات متحده و سایر محاکم دارد؛ رویه‌ای که در آن اجماعی نزدیک به اتفاق آرا شکل گرفته است؛ مبنی بر اینکه، معیار «غلبه ادله» برای ابطال یک اختراع، به‌عنوان استاندارد سست و ناپایدار تلقی می‌شود (Vishnubhakat, 2022: 123).

در مجموع، باوجود استدلال مخالفان مبنی بر ضرورت تسهیل و تسریع فرایند بررسی مصادیق غیر قابل ثبت، به‌منظور صیانت از منافع عمومی و جلوگیری از طرح دعاوی بی‌اساس، رویه قضایی ایالات متحده نشان می‌دهد که معیار «شواهد روشن و قانع کننده» در عمل فراتر از تفکیک میان مسائل حکمی و موضوعی اعمال شده است. بسیاری از دادگاه‌ها با استناد به سنت دیرپای قضایی و نقش برجسته نظر کارشناسان فنی، به‌کارگیری گسترده این معیار را تضمینی برای حفظ اعتبار نظام ثبت اختراع و حمایت مؤثر از حقوق مخترعان می‌دانند.

1. On-Sale Bar

2. No Obviousness

به نظر نگارنده، اعمال معیار اثباتی «شواهد روشن و قانع کننده» حتی در مواردی که ممتحن اداره ثبت بررسی‌های دقیقی انجام نداده یا امکان چنین بررسی‌ای برای او فراهم نبوده است، تعادل میان حقوق مخترعان و منافع اقتصادی ناقضان احتمالی را به زیان طرف دوم به هم می‌زند.

۳. رویه در مراجع اداری

در این بخش، به تفاوت‌های موجود میان روند رسیدگی به دعاوی ابطال اختراع در مراجع قضایی و اداری ایالات متحده پرداخته می‌شود و تأثیرات اعمال معیار اثباتی سبک‌تر، در نهادهای اداری موردبررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. تفاوت روند رسیدگی ابطال در مراجع قضایی و اداری

بین مراجع قضایی و اداری در ایالات متحده، تفاوت‌هایی اساسی در خصوص نحوه رسیدگی به دعاوی ابطال اختراع وجود دارد که بررسی آن‌ها، برای درک فلسفه تقنینی این نظام حائز اهمیت است. باوجود امکان ابطال اختراعات در دادگاه‌ها، قانون‌گذاران آمریکایی اقدام به تأسیس نهادهای اداری برای بازنگری و ابطال اختراعات ضعیف، پس از ثبت کرده‌اند. علت این اقدام را می‌توان در هزینه‌بر و زمان‌بر بودن فرایند رسیدگی قضایی و همچنین، دشواری اثبات بطلان اختراع با معیار سخت‌گیرانه «شواهد روشن و قانع کننده» جست‌وجو کرد؛ معیاری که در بسیاری از موارد باعث می‌شود حتی اختراعات فاقد نوآوری واقعی نیز در برابر چالش‌های ابطال مقاومت کنند.

در پاسخ به این چالش، کنگره طی چهار دهه گذشته، به‌طور مستمر نهادهایی را برای بازنگری پس از ثبت در اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری ایالات متحده ایجاد کرده است. به‌عنوان نمونه، در چارچوب «بازنگری بین طرفینی»^۱ که از ۱۶ سپتامبر

۲۰۱۲ در قالب قانون ثبت اختراعات آمریکا به اجرا درآمد، طرف ذی نفع می تواند اعتبار یک اختراع ثبت شده را با استفاده از معیار «غلبه ادله» به چالش بکشد. این معیار، به مراتب سبک تر از معیار «شواهد روشن و قانع کننده» است که در دادگاه ها به کار می رود. از این رو، متهم به نقض اختراع ممکن است ترجیح دهد، چالش مربوط به اعتبار اختراع را از طریق سازوکارهای اداری پس از ثبت پیگیری کند (Guerra & Kundu, 2024: 3).

قانون گذار ایالات متحده در رسیدگی های اداری، استفاده از معیار اثبات «ادله روشن و قانع کننده» را ضروری ندانسته است. دلیل اصلی الزام به ارائه چنین سطح بالایی از دلیل در مراجع قضایی، احترام به صلاحیت نهاد تخصصی صادر کننده اختراع، یعنی اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری ایالات متحده است. با این حال، این توجیه زمانی که همان نهاد تخصصی در مقام بازنگری یک اختراع ظاهر می شود، کارایی ندارد؛ زیرا در فرایند بازنگری، ممکن است اداره ثبت با دقت و تخصص بیشتری به ارزیابی موضوع بپردازد. از این رو، دلیلی وجود ندارد که این نهاد به تصمیم پیشین خود - که احتمالاً بر مبنای بررسی محدود و مستندات ناقص اتخاذ شده - متعهد بماند (Matal, 2023:9).

دیوان عالی ایالات متحده نیز تأکید کرده است که مطابق با قانون America Invents Act (AIA)، ممکن است یک دادگاه بدوی، ادعای اختراعی را معتبر تشخیص دهد، در حالی که همان ادعا در جریان بررسی مجدد، توسط اداره ثبت اختراعات باطل شود. دیوان در این خصوص توضیح داده است که رسیدگی در این دو مرجع، بار اثبات متفاوتی را بر دوش معترض می گذارد. رسیدگی در هیئت اداری، به معنای تجدیدنظر از رأی دادگاه فدرال نیست، بلکه فرایندی مستقل و مجزا محسوب می شود که در آن، اعتبار اختراع بر اساس معیار «ادله ارجح» سنجیده می شود، نه بر مبنای معیار «ادله روشن و قانع کننده» که در دادگاه های فدرال ملاک عمل است (American Intellectual Property Law Association, 2018: 43).

افزون بر این، فرایند رسیدگی در هیئت، محدود به سوابق، ادله، استدلال‌ها و ملاحظات است که در همان پرونده مطروحه نزد هیئت مطرح شده‌اند و بازبینی سوابق و مستندات ارائه شده در دادگاه فدرال را شامل نمی‌شود. بر این اساس، ممکن است تصمیم به ابطال یک اختراع در هیئت، بر مبنای دانش پیشین متفاوت، ترکیب جدیدی از اسناد قبلی یا استدلال‌هایی اتخاذ شود که پیش‌تر در دادگاه فدرال مطرح نشده‌اند؛ امری که از منظر حقوقی کاملاً مشروع و موجه تلقی می‌شود (Reilly, 2022: 321).

در پرونده SAP America, Inc. v. Versata Development Group, Inc هیئت تجدیدنظر و دعاوی ثبت اختراعات به صراحت اعلام کرد که فرض اعتبار ثبت اختراع و معیار «ادله روشن و قانع‌کننده» در رسیدگی‌های این مرجع اعمال نمی‌شود. این موضع در پرونده Google, Inc. v. Whitserve LLC با وضوح بیشتری بیان شد؛ به‌گونه‌ای که هیئت تصریح کرد، با توجه به تفاوت استانداردهای اثبات، شواهدی که از نظر هیئت منصفه دادگاه فدرال کافی تلقی نشده‌اند، ممکن است در فرایند بازنگری بین طرفین در هیئت، کفایت لازم را داشته باشند. همچنین، هیئت تأکید کرد که حتی در صورتی که اعتبار یک اختراع در دادگاه فدرال و بر اساس معیار «ادله روشن و قانع‌کننده» تأیید شده باشد، این امر مانع از آن نخواهد بود که در رسیدگی اداری، با استناد به معیار «ادله ارجح»، نتیجه‌ای کاملاً متفاوت در خصوص همان اختراع اتخاذ شود (Vishnubhakat, 2022: 80)؛ بنابراین، تفاوت در معیارهای اثبات در مراجع مختلف، امکان صدور آرای متناقض درباره اعتبار یک اختراع را فراهم می‌آورد.

۳-۲. اثرات استاندارد ضعیف‌تر در مراجع اداری

اعمال معیار اثباتی سبک‌تر در ساختار نظام ثبت اختراع ایالات متحده، پیامدهای قابل توجهی به دنبال داشته است که در این بخش به آن‌ها پرداخته می‌شود.

تأثیرات ناشی از تفاوت در استاندارد اثبات، بلافاصله پس از آغاز اجرای فرایندهای جدید قانون America Invents Act در سپتامبر ۲۰۱۲ و صدور نخستین تصمیمات

نهایی در ژوئن ۲۰۱۳ آشکار شد. نبود فرض اعتبار برای اختراعات و به کارگیری معیار اثباتی ضعیف تر در رسیدگی های اداری، موجب شده است که بسیاری از خواندگان نقض اختراع ترجیح دهند اعتبار اختراع را نزد مراجع اداری به چالش بکشند و از مراجعه به دادگاه های بدوی که مستلزم اعمال معیار «ادله روشن و قانع کننده» هستند، اجتناب کنند (Seaman, 2015: 10). علاوه بر این، تفاوت در استانداردهای اثبات، مهم ترین عامل ساختاری در شکل گیری دعاوی تکراری در هیئت تجدیدنظر و دعاوی ثبت اختراعات به شمار می رود. این اختلاف، احتمال صدور نتایج متناقض درباره اعتبار یک اختراع در دو مرجع قضایی و اداری را به طور چشمگیری افزایش داده است (American Intellectual Property Law Association, 2018: 43).

در نتیجه، باید گفت که اعمال معیار اثباتی سبک تر در مراجع اداری، تأثیرات چشمگیری بر نظام رسیدگی به اعتبار اختراعات در ایالات متحده برجای گذاشته است. این وضعیت، ضمن افزودن بر پیچیدگی های فرایند دادرسی، پرسش هایی اساسی را در خصوص هماهنگی، انسجام و کارآمدی نظام حمایت از حقوق مالکیت فکری در ایالات متحده، به ویژه در مواجهه با تعارض آرا صادره از مراجع مختلف برمی انگیزد.

به نظر نگارنده، اجرای بی قید و شرط معیار ساده تر «ترجیح ادله» در تمامی مراحل رسیدگی اداری، توازن میان حقوق مخترعان و منافع اقتصادی ناقضان بالقوه را به طور ناعادلانه ای به نفع گروه دوم مختل می سازد. این نگرانی زمانی تشدید می شود که به موجب قانون سال ۲۰۱۱ و سازوکار بازنگری اداری، به ذی نفعان اجازه داده شده است که حتی مدت ها پس از صدور گواهی ثبت، نسبت به اعتبار اختراع در مراجع اداری اعتراض کنند. از آنجاکه در این مراجع معیار اثباتی ضعیف تری اعمال می شود، احتمال ابطال اختراعات افزایش یافته است و در نتیجه، مخترعان ممکن است با خسارات سنگین و جبران ناپذیری مواجه شوند.

۴. استدلال‌های موافقان

موافقان اعمال معیار «شواهد روشن و قانع‌کننده» برای اثبات بطلان اختراع، دلایلی چون احترام به صلاحیت اداره ثبت اختراعات، هماهنگی این معیار با ساختار قانونی و نظام حقوقی اختراع، تقویت اهداف بنیادین نظام اختراع و اهمیت جایگاه دعاوی ابطال را مطرح می‌کنند. در ادامه، به مهم‌ترین این استدلال‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۱. احترام به صلاحیت اداره ثبت

طرفداران معیار «شواهد روشن و قانع‌کننده» بر این باورند که این معیار، بازتابی از احترام به صلاحیت و تخصص فنی اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری ایالات متحده است. بر اساس این دیدگاه، در صورت تردید نسبت به اعتبار اختراع، نظر و تشخیص این نهاد تخصصی باید در اولویت قرار گیرد (Matal, 2023: 9). به‌ویژه در مواردی که شواهدی مبنی بر بررسی کامل موضوع از سوی اداره ثبت و تصمیم‌گیری دقیق به نفع دارنده اختراع وجود دارد، دادگاه‌ها نباید بدون دلیل موجه آن تصمیم را نادیده بگیرند (Microsoft Corp. v. i4i Ltd. Partnership, 2011: 15).

۴-۲. هماهنگی با قانون و نظام حقوقی اختراع

به‌کارگیری معیار «شواهد روشن و قانع‌کننده» با فرض قانونی اعتبار اختراع و همچنین با ماده ۲۸۲ عنوان ۳۵ قانون ایالات متحده در هماهنگی است. دیوان عالی ایالات متحده نیز در پرونده Microsoft Corp. v. i4i Ltd. Partnership این تفسیر را تأیید کرده است (Conway, 2018: 1463-1464).

اگرچه کنگره در قانون ابتکارات آمریکا مصوب ۲۰۱۱ در فرایندهای اداری از معیار ساده‌تر «ارجحیت ادله» استفاده کرده است؛ اما در قانون پیشنهادی پریویل (Prevail Act)، اصلاحاتی در عنوان ۳۵ قانون ایالات متحده پیشنهاد شده است که

هدف آن، ایجاد هماهنگی میان استانداردهای اثبات در هیئت تجدیدنظر اداری و دادگاه‌های بدوی است. به موجب این طرح، ماده ۳۱۶ (e) به گونه‌ای اصلاح می‌شود که بار اثبات بطلان اختراع در هیئت نیز همچون دادگاه‌ها، بر مبنای معیار «شواهد روشن و قانع کننده» قرار گیرد. به این ترتیب، تعارض موجود میان دو مرجع و پیامدهای ناخواسته آن، از جمله ابطال اختراعات معتبر در هیئت اداری، کاهش خواهد یافت (Matal, 2023: 9).

۳-۴. تقویت اهداف نظام اختراع

یکی از مهم‌ترین توجیهات برای اعمال معیار «شواهد روشن و قانع کننده»، حمایت از ثبات حقوقی در نظام ثبت اختراع و تقویت بسترهای لازم برای گسترش نوآوری است. برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که عدول از این معیار سخت‌گیرانه می‌تواند به تضعیف نظام ثبت اختراع منجر شود و در نتیجه، انگیزه‌های نوآوری را کاهش دهد (Microsoft Corp. v. i4i Ltd. Partnership, 2011: 15).

ورود یک فناوری ثبت شده به بازار، فرایندی پرمخاطره و نیازمند سرمایه‌گذاری‌های سنگین در حوزه‌های انسانی، مالی و زیرساختی است. در چنین شرایطی، اعمال معیار اثباتی بالاتر در مراجع رسیدگی، با کاهش ریسک‌های حقوقی ناشی از نقض احتمالی حقوق انحصاری، می‌تواند امنیت حقوقی لازم برای این سرمایه‌گذاری‌ها را فراهم سازد. به این ترتیب، دارنده اختراع با اتکا به این معیار، از این اطمینان برخوردار خواهد بود که در صورت موفقیت در توسعه و تجاری سازی محصول، حقوق انحصاری او به راحتی قابل خدشه نیست و ناقضان نمی‌توانند به آسانی آن را مورد تردید قرار دهند. این حمایت، به ویژه در صنایعی که هزینه‌های تحقیق، توسعه و ورود به بازار بسیار بالا است - مانند صنعت داروسازی - از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا تجاری سازی یک داروی جدید ممکن است نیازمند سرمایه‌گذاری چند صد میلیون دلاری باشد (Seaman, 2015: 5).

علاوه بر این، فرض اعتبار اختراع تا زمان اثبات خلاف آن، اثری نمادین در درون و بیرون از نظام حقوقی دارد. این فرض، نه تنها جایگاه اختراعات را نزد دادگاه‌ها تقویت می‌کند، بلکه در سطح جامعه نیز تصویری از اقتدار، اعتبار و اعتماد به نظام ثبت اختراع ترسیم می‌کند. در مقابل، تضعیف یا حذف معیار «شواهد روشن و قانع‌کننده» می‌تواند این تصور را ایجاد کند که اختراعات فاقد امنیت حقوقی کافی اند و نظام ثبت اختراع در کل از احترام و مشروعیت لازم برخوردار نیست (Seaman, 2015: 5). تحقیقات نشان داده است که ناقضان نیز برای تأمین منافع شخصی خود در صورت عدم قطعیت احتیاط متعارف و معقول را در نظر نمی‌گیرند (Rahimi & KHodarahmi, 2023: 216).

۴-۴. اهمیت دعاوی ابطال

در نظام حقوقی ایالات متحده، در برخی دعاوی مدنی که از اهمیت بالایی برخوردارند، معیار سخت‌گیرانه‌تری همچون «ادله روشن و قانع‌کننده» جایگزین معیار متعارف «ترجیح ادله» می‌شود. در چنین مواردی، خواهان موظف است شواهدی روشن، صریح و متقاعد کننده ارائه دهد. نمونه‌هایی از این رویکرد را می‌توان در دعاوی مربوط به اخراج افراد به دلیل نقض قوانین مهاجرتی یا در موارد مربوط به سلب حقوق والدین مشاهده کرد؛ جایی که موضوع دعوا تنها یک خسارت مالی نیست، بلکه با حقوق بنیادین و منافع مهم‌تری سروکار دارد. در این‌گونه دعاوی، توسل به استاندارد اثباتی بالا، برای پیشگیری از طرح دعاوی ضعیف و حفظ ثبات و قطعیت در نظام حقوقی، ضروری و موجه تلقی می‌شود (Guerra, Luppi, & Parisi, 2018: 18).

دعاوی ابطال اختراع نیز از منظر اهمیت حقوقی، در جایگاهی مشابه قرار دارند. در چنین پرونده‌هایی، اثبات بی‌اعتباری یک اختراع می‌تواند منجر به فروپاشی کامل دعاوی دارنده حق اختراع شود و در مقابل، مسیر را برای تداوم فعالیت‌های اقتصادی خواننده هموار سازد؛ به‌ویژه آنکه ابطال اختراع، در برابر اشخاص ثالث نیز اثر حقوقی دارد (Gugliuzza, 2021: 664). از این‌رو، نتایج این‌گونه دعاوی می‌تواند به شکل بنیادین

بر حقوق مخترع تأثیر بگذارد و هرگونه تساهل یا بی‌دقتی در رسیدگی به آن‌ها ممکن است منجر به حذف اختراعاتی شود که به‌حق، شایسته حمایت قانونی هستند. در مجموع، طرفداران معیار اثباتی «شواهد روشن و قانع کننده» در دعاوی ابطال، بر اهمیت حفظ اعتبار و تخصص نهاد ثبت اختراعات، تقویت اهداف نظام مالکیت فکری، هماهنگی با ساختار قانونی ایالات متحده - از جمله ماده ۲۸۲ قانون ثبت اختراعات - و نیز توجه ویژه به آثار گسترده و بعضاً جبران‌ناپذیر این‌گونه دعاوی تأکید دارند. از دیدگاه نگارنده، چنانچه قانون‌گذار و اداره ثبت اختراعات ایالات متحده تدابیری اتخاذ کنند که اطمینان از دقت و صحت بررسی‌های انجام شده در فرایند ثبت، افزایش یابد - برای مثال، با معرفی و صدور «اختراعات طلایی»^۱ که نشان دهنده سطح بالای ارزیابی کارشناسی در جریان ثبت هستند - اعمال معیار اثباتی شدیدتر همچون «شواهد روشن و قانع کننده» در فرایند ابطال، می‌تواند تعادل مناسبی میان منافع مخترعان و فعالان اقتصادی برقرار سازد.

۵. نظرات مخالفان

مخالفان معیار اثبات «روشن و قانع کننده» استدلال‌هایی چون خطر سوءاستفاده از حق اختراع، تضعیف فرض قانونی صحت اختراع و ایجاد چالش در اعتبار اقدامات اداره ثبت اختراع را مطرح کرده‌اند. در ادامه، مهم‌ترین این انتقادات بررسی می‌شود.

۱. «اختراع طلایی به‌نوعی از اختراعات اطلاق می‌شود که در فرایند ثبت، تحت بررسی‌های دقیق‌تر و گسترده‌تری نسبت به اختراعات عادی قرار گرفته‌اند. این نوع بررسی‌ها معمولاً شامل، جستجوهای بین‌المللی جامع در چندین مرکز معتبر جست‌وجوی اختراع و نیز ارزیابی‌های فنی و حقوقی با عمق و دقت بالاتر از روال معمول است. گواهی‌نامه‌هایی که برای این اختراعات صادر می‌شود، بیانگر سطح بالایی از اعتبار و دقت در ارزیابی و بررسی ادعاهای ثبت اختراع است. به همین دلیل، این اختراعات در مراحل تجاری‌سازی، جلب سرمایه‌گذاری و نیز در فرآیندهای دفاع حقوقی، از وزن و اتکاپذیری بیشتری برخوردارند و احتمال ابطال آن‌ها در مراجع اداری یا قضایی به‌مراتب کمتر است. درواقع، مفهوم «اختراع طلایی» می‌تواند نوعی تضمین کیفی برای مخترعان و سرمایه‌گذاران فراهم آورد و اطمینان بیشتری نسبت به اعتبار و پایداری حقوق ناشی از ثبت اختراع در اختیار آنان قرار دهد.

۵-۱. سوءاستفاده از حق اختراع

برخی صاحب‌نظران، به‌کارگیری معیار سخت‌گیرانه «ادله روشن و قانع‌کننده» را زمینه‌ساز سوءاستفاده از حقوق اختراع می‌دانند. به باور این گروه، چنین معیاری ممکن است مانع ابطال برخی اختراعات مشکوک در محاکم شود و در نتیجه، خواندگان دعاوی نقض، به دلیل دشواری اثبات، حتی در مواجهه با اختراعات ضعیف، ناچار به پذیرش مجوز بهره‌برداری شوند. افزون بر این، صرف وجود یک اختراع، حتی در صورت تردید نسبت به اعتبار آن - وقتی با فرض قانونی صحت همراه باشد - می‌تواند رقبا را از ورود به بازار باز دارد و به دارنده آن امکان دهد قیمت‌هایی بالاتر از سطح رقابتی اعمال کند. منتقدان هشدار می‌دهند که چنین وضعی به‌ویژه به سود «نهادهای فاقد فعالیت تولیدی» یا همان غول‌های اختراع^۱ خواهد بود. این نهادها بدون بهره‌برداری عملی از اختراعات ثبت شده، صرفاً با تملک آن‌ها علیه اشخاص یا شرکت‌های بی‌اطلاع از وجود این حقوق، طرح دعوی می‌کنند و خواستار دریافت خسارات کلان یا انعقاد توافقی‌های مالی سنگین می‌شوند؛ امری که اغلب در سایه تهدید به صدور دستور منع ادامه فعالیت به نتیجه می‌رسد؛ بنابراین، الزام به اثبات دعوا با «ادله روشن و قانع‌کننده» و امکان سوءاستفاده از این سازوکار، می‌تواند کارایی دفاع مبتنی بر بطلان اختراع را به شدت کاهش دهد (Conway, 2018: 1507-1509).

۵-۲. چالش فرض قانونی صحت اختراع

گروهی از منتقدان، دیدگاه طرفداران معیار «ادله روشن و قانع‌کننده» را که آن را لازمه فرض قانونی صحت اختراع می‌دانند، به چالش می‌کشند. به باور آنان، نص قانون صرفاً مقرر می‌دارد که گواهی ثبت اختراع «معتبر فرض می‌شود» و هیچ تصریحی به میزان بار اثبات لازم برای نقض این فرض ندارد. علاوه بر این، این معیار سنگین با رویه موجود در حوزه‌های مشابه، مانند علائم تجاری، همخوانی ندارد. در دعاوی

مربوط به علائم تجاری، دادگاه‌ها از به‌کارگیری استاندارد «ادله روشن و قانع کننده» که در پرونده‌های اختراع معمول است، خودداری می‌کنند. هرچند قانون، علائم تجاری را معتبر تلقی می‌کند، اما خواننده صرفاً موظف است بی‌اعتباری آن را با ادله ارجح به اثبات برساند (Microsoft Corp. v. i4i Ltd. Partnership, 2011: 13).

۳-۵. چالش صحت اقدامات اداره ثبت اختراع

برخی پژوهشگران منشأ معیار «ادله روشن و قانع کننده» را فرض صحت اقدامات ادارات ثبت اختراع می‌دانند. در مقابل، مخالفان بر این باورند که اتکای بیش از حد به صحت تصمیمات ابتدایی اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری ایالات متحده موجه نیست. آنان استدلال می‌کنند که کارشناسان این اداره، به دلیل حجم انبوه پرونده‌ها - که سالانه به صدها هزار درخواست می‌رسد - امکان بررسی جامع و دقیق همه درخواست‌ها را ندارند. از این‌رو، پذیرش بی‌چون‌وچرا تصمیمات این مراجع، با توجه به محدودیت‌های جدی اطلاعاتی و بودجه‌ای، منطقی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اعتبار مطلق تصمیمات پیشین زمانی قابل توجیه است که احتمال صحت و دقت آن‌ها بالا باشد، درحالی‌که رویه فعلی خلاف آن را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که مراجع علمی تأکید کرده‌اند و دیوان عالی نیز به‌طور ضمنی در پرونده KSR Int'l Co. v. Teleflex Inc., 550 U.S. 398, 426 (2007) اشاره داشته است، کارشناس اداره ثبت نمی‌تواند درباره صدور یک اختراع در برابر دانش پیشینی که هرگز آن را ندیده است، قضاوتی منطقی ارائه کند. دیوان در این حکم تصریح کرد که مبنای اماره قانونی - یعنی تأیید اختراع از سوی اداره ثبت با تکیه بر تخصص خود - در چنین مواردی به شدت تضعیف می‌شود، زیرا دانش پیشین مربوط اساساً مورد بررسی کارشناس قرار نگرفته است (Microsoft Corp. v. i4i Ltd. Partnership, 2011: 13).

علاوه بر این، فقدان فرایند دادرسی ترافیعی^۱ در جریان بررسی‌های اداری نیز به‌عنوان یکی از کاستی‌های ساختاری عملکرد اداره ثبت اختراعات مطرح شده است. در تأیید این دیدگاه، یکی از قضات دادگاه بدوی با استناد به تجربه قضایی خود اظهار داشته است که تقریباً یک‌سوم از ادعاهای ثبت اختراعی که در جریان دعاوی مطروحه مورد بررسی قرار می‌گیرند، اساساً نباید صادر می‌شدند (Conway, 2018: 1505).

پژوهشگران منتقد، راه‌حل را در تضعیف یا حذف فرض صحت ثبت اختراع می‌دانند. هرچند لغو کامل این فرض صرفاً در صلاحیت کنگره است، اما دادگاه‌ها می‌توانند با پایبندی دقیق به رویه‌های تعیین شده از سوی دیوان عالی - که به آن‌ها اجازه می‌دهد در مواردی که ممتحن اداره ثبت اختراعات به مدارک مهم در فرایند بررسی اولیه توجه نکرده است، ارزیابی وی را نادیده بگیرند - دامنه اثرگذاری این فرض را به میزان قابل توجهی کاهش دهند (Gugliuzza, 2022: 1403).

همچنین پیشنهاد شده است که در دستورالعمل‌های ارائه شده به مراجع پایین‌تر، فرض صحت اختراع همراه با معیار «ادله روشن و قانع‌کننده» به‌عنوان رویه معمول به کار نرود، بلکه صرفاً در مواردی اعمال شود که نقش پیشگیرانه دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد در مواردی که هیئت‌منصفه از پیش مطلع شده است که ناقض ادعایی باید بطلان اختراع را بر مبنای این معیار سخت‌گیرانه اثبات کند، افزودن دستورالعملی که صراحتاً به فرض اعتبار اشاره دارد، می‌تواند موجب تعصب قابل‌توجه به سود دارنده اختراع شود (Bock, 2014: 4).

در مجموع، منتقدان با تأکید بر خطرات ناشی از معیار سخت‌گیرانه «ادله روشن و قانع‌کننده» برای ابطال اختراع، نسبت به سوءاستفاده‌های بالقوه از حقوق اختراع، آسیب به رقابت سالم و اتکای بیش از حد به تصمیمات اولیه اداره ثبت اختراع هشدار می‌دهند. به اعتقاد آنان، فرض قانونی صحت اختراع نباید به‌صورت مطلق پذیرفته شود،

به‌ویژه زمانی که بررسی‌های اداری با محدودیت‌های جدی مواجه است. از این‌رو، دادگاه‌ها باید با دقت بیشتر و در پرتو رویه‌های قضایی موجود، دامنه اثر این فرض را محدود کنند.

به نظر نگارنده، اعمال معیار اثباتی سخت‌گیرانه در شرایطی که نسبت به دقت بررسی اداره ثبت اختراع تردید وجود دارد، تعادل میان حقوق مخترع و منافع ناقضان اقتصادی را بر هم می‌زند و ضروری است که در رویه قضایی ایالات متحده مورد بازنگری قرار گیرد. حمایت از مخترع در دادگاه، با معیار «ادله روشن و قانع کننده» تنها زمانی موجه است که اطمینان وجود داشته باشد گواهی اختراع در دقیق‌ترین شرایط بررسی شده است؛ برای مثال، همراه با جستجوهای جامع بین‌المللی یا در زمره اختراعاتی قرار گیرد که با عنوان «اختراع طلایی» شناخته می‌شوند.

۶. مقایسه معیار اثبات در دعاوی ابطال اختراع در نظام‌های حقوقی ایالات متحده

آمریکا و ایران

برای انجام بررسی تطبیقی، ابتدا به وضعیت معیار اثبات در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود و سپس، مزایا و معایب هر دو نظام تحلیل می‌شود.

۱-۶. وضعیت معیار اثبات در دعاوی ابطال اختراع در ایران

در نظام حقوقی ایران، تقسیم‌بندی دقیق معیارهای اثبات مانند «ادله ارجح» یا «ادله روشن و قانع کننده» هنوز به‌طور کامل نهادینه نشده است و قضاوت، عمدتاً بر مبنای اقتناع وجدان دادرس صورت می‌گیرد. در این فرایند، دادرس با بررسی مجموعه دلایل و مستندات و معمولاً با اتکا به «ظن نوعی» که از نظر عرف و عموم جامعه قابل قبول است، به صدور حکم اقدام می‌کند (ملاولی، ۱۴۰۱: ۹-۲).

بررسی روند قانون‌گذاری در ایران - به‌ویژه قوانین سال ۱۳۸۶ و قانون جدید مصوب ۱۴۰۳ - نشان می‌دهد که تاکنون، معیار دقیق و تفکیک‌شده‌ای برای تعیین سطح

بار اثبات در دعاوی مربوط به اختراعات پیش‌بینی نشده است. در زمینه «فرض اعتبار» نیز، رویه دادگاه‌ها هماهنگ نیست؛ به گونه‌ای که گاه به‌ویژه در محاکم کیفری، باوجود اصلاحات قانونی و عملکرد ادارات ثبت، گواهی اختراع همچون سایر اسناد رسمی تلقی نمی‌شود و قضات بار دیگر به بررسی قابلیت ثبت اختراع می‌پردازند؛ رویکردی که برای تضمین صحت صدور رأی کیفری مطلوب ارزیابی می‌شود (بهادری جهرمی، ۱۴۰۰: ۲۲۰). در مقابل در برخی موارد، اعتبار کامل به اختراعاتی داده می‌شود که فرایند بررسی آن‌ها در اداره ثبت اختراعات به‌صورت دقیق انجام نشده است.

در خصوص معیار «ادله روشن و قانع‌کننده» نیز، به دلیل فقدان قانون‌گذاری صریح، دادگاه‌های ایران فاقد چارچوب قانونی مشخصی برای سنجش شدت و وضوح ادله در پرونده‌های پیچیده فنی نظیر دعاوی ابطال اختراع هستند. مرور نمونه آراء، این وضعیت را روشن‌تر می‌سازد:

- پرونده شرکت دارو پلاستیک پارس (دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۰۵۳۴، شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی تهران): در این دعوی، خواهان ابطال گواهی ثبت اختراع را درخواست کرد. کارشناس با بررسی مستندات متعدد ازجمله قراردادهای فروش، فاکتورها، تأییدیه کارخانه‌ها و سابقه تولید و عرضه قطره‌چکان پیش از تاریخ ثبت اختراع، نتیجه گرفت که شرط نوآوری رعایت نشده است. دادگاه نیز با استناد به این نظر کارشناسی - که به نظر می‌رسد معیار «ادله روشن و قانع‌کننده» را لحاظ کرده باشد - حکم به بطلان اختراع صادر کرد (افراسیاب، ۱۴۰۰: ۲۳۸).

- پرونده جاکارتی هوشمند دادنامه شماره ۸۷۰۰۰۰۴۷، شعبه سوم دادگاه کیفری دو تهران: در این پرونده، قاضی با احراز تولید و عرضه جاکارتی هوشمند پیش از تاریخ ثبت اختراع در کشورهای خارجی، به‌ویژه چین و توزیع آن در بازار داخلی، اختراع را باطل شناخت. به نظر می‌رسد قاضی بیشتر بر مقایسه و تحلیل مدارک تکیه کرده است و تصمیم خود را بر اساس معیار «ترجیح ادله» اتخاذ کرده است.

این معیار به معنای آن است که مدارک موجود غالباً به نفع ابطال هستند، اما نیازی به اثبات روشن و قانع کننده وجود ندارد (افراسیاب، ۱۴۰۰: ۲۳۸).

- پرونده مطالبه خسارت ناشی از نقض حق اختراع و دعاوی ابطال گواهی ثبت اختراع: موضوع این پرونده، دعاوی مطالبه خسارت ناشی از نقض حق اختراع و دعاوی متقابل ابطال گواهی ثبت اختراع بود. دادگاه با استناد به نظریه کارشناس رسمی که آن را «مصون از ایراد مؤثر» دانست، بدون اشاره به نیاز ادله قوی تر یا وضوح خاص، دعاوی خواهان را رد و رأی دادگاه بدوی را تأیید کرد. این شیوه رسیدگی و استدلال نشان می دهد که معیار اثبات مورد استفاده در این پرونده، مشابه معیار «ادله ارجح» در حقوق آمریکا بوده است؛ یعنی کافی است دلایل یک طرف نسبت به طرف دیگر سنگین تر باشد. در مقابل، اگر دادگاه معیار «ادله روشن و قانع کننده» را به کار می برد، می بایست ادله را با دقت و شدت بیشتری ارزیابی و بر قوت و وضوح آن ها برای اقناع وجدان قضایی تأکید می کرد (دادگاه تجدیدنظر استان تهران، ۱۳۹۱).

- پرونده ابطال ثبت اختراع محصول بهبود یافته: در این پرونده، رأی به ابطال ثبت اختراع یک محصول صادر شد. دادگاه با استناد به نظر هیئت کارشناسی و ماده ۴ قانون ثبت اختراعات مصوب ۱۳۸۶، اعلام کرد که این محصول صرفاً بهبود شکل و کارایی داشته است و ابتکار خاص و حل مسئله ای جدید ارائه نکرده است (دادگاه تجدیدنظر استان تهران، ۱۳۹۵).

- پرونده ابطال گواهی ثبت اختراع دستگاه سطح سنج مغناطیسی: در این پرونده که در شعبه دوازدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران مطرح شد، خواهان با استناد به سابقه استفاده و تولید دستگاه سطح سنج مغناطیسی در خارج از کشور، خواستار ابطال گواهی ثبت اختراع خوانده شد. دادگاه با پذیرش نظریه کارشناسی سه نفره مبنی بر فقدان ابتکار جدید در اختراع ثبت شده، حکم به ابطال گواهی صادر کرد. در این تصمیم، دادگاه بدون الزام خواهان به ارائه «ادله روشن و قانع کننده»، صرفاً بر اساس «ترجیح ادله» و احراز تقدم استفاده از اختراع به نفع خواهان حکم صادر کرد. این

رویه نشان می‌دهد که در نظام قضایی ایران، برخلاف نظام حقوقی ایالات متحده، اثبات بی‌اعتباری اختراع ثبت شده لزوماً نیازمند معیار اثبات سخت‌گیرانه‌تر نیست و می‌تواند مبتنی بر ارزیابی متعارف ادله باشد (دادگاه تجدیدنظر استان تهران، ۱۳۹۴).

۶-۲. مزایا و معایب نظام حقوقی ایران در معیار اثبات دعاوی ابطال اختراع در مقایسه با نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

در نظام حقوقی ایالات متحده، معیار اثبات در دعاوی ابطال اختراع به صراحت تعیین شده است. در این نظام، تناسب دقیقی میان ماهیت دعوی و درجه اثبات برقرار است؛ به گونه‌ای که همانند استانداردهای پذیرفته شده در دعاوی بین‌المللی، در پرونده‌هایی با شدت مسئولیت و آثار حقوقی گسترده‌تر، معیار اثبات بالاتری مطالبه می‌شود (میدانی، ۱۳۹۱: ۱۷۳). معیار اثبات غالب در این دعاوی، «ادله روشن و قانع‌کننده» است که سطحی بالاتر از استاندارد «ادله ارجح» محسوب می‌شود. هدف از این استاندارد، حمایت قوی‌تر از حقوق مخترعان و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی است.

نقاط قوت نظام حقوق آمریکا را می‌توان در: حفاظت مؤثر از حقوق مخترعان، تضمین اعتبار گواهی‌های ثبت اختراع، کاهش احتمال سوءاستفاده توسط نهادهای فاقد فعالیت تولیدی و رعایت تناسب میان ماهیت دعوی و درجه اثبات برای افزایش عدالت قضایی برشمرد. با این حال، این نظام نقاط ضعفی نیز دارد که از آن جمله می‌توان به: دشواری و هزینه بالای اثبات ابطال اختراع به دلیل معیار سخت‌گیرانه، طولانی شدن فرایند دادرسی و پیچیدگی‌های حقوقی و فنی اشاره کرد.

در مقابل، نظام حقوقی ایران فاقد معیار اثبات صریح و تعریف‌شده‌ای برای دعاوی ابطال اختراع است و قضاوت، عمدتاً بر اساس «اقناع دادرس» و ارزیابی کلی ادله صورت می‌گیرد و قضات ایران، بیشتر هدف فصل خصومت را در نظر دارند تا اینکه بخواهند حقیقت را کشف کنند (الماسی و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۱۶). در عمل، معمولاً معیار «ترجیح ادله» به کار گرفته می‌شود؛ یعنی دادرس با توجه به برتری دلایل یکی از

طرفین نسبت به دیگری تصمیم‌گیری می‌کند، بدون الزام به ارائه «ادله روشن و قانع کننده». این رویکرد، انعطاف‌پذیری و سرعت بیشتر دادرسی را به همراه دارد، اما ممکن است خطرپذیرش اختراعات ضعیف یا فاقد نوآوری را افزایش دهد.

نقاط قوت نظام حقوقی ایران را می‌توان در: سرعت و هزینه کمتر دادرسی به دلیل معیار اثبات انعطاف‌پذیر، امکان استفاده مؤثرتر از کارشناسی و ارزیابی قضایی کلی و تسهیل دسترسی به عدالت در دعاوی پیچیده فنی دانست؛ اما این نظام با نقاط ضعفی نیز مواجه است که ازجمله آن‌ها می‌توان به: احتمال صدور گواهی‌های اختراع فاقد نوآوری به علت نبود استاندارد اثبات سخت‌گیرانه، افزایش احتمال سوءاستفاده از حقوق اختراع، کاهش اطمینان نسبت به اعتبار اختراعات ثبت شده و فقدان چارچوب قانونی روشن که منجر به ناهماهنگی در رویه‌های قضایی شده است، اشاره کرد.

در نظام حقوقی ایالات متحده، ابطال ثبت اختراع از طریق هیئت تجدیدنظر و دعاوی ثبت اختراعات (Patent Trial and Appeal Board - PTAB) نیز صورت می‌گیرد. این هیئت با بهره‌مندی از تخصص فنی اعضا و فرایندهای دقیق بازنگری، به بررسی مجدد اعتبار اختراعات صادر شده می‌پردازد. یکی از نقاط قوت این نظام، تخصصی بودن فرایند و استفاده از معیار اثبات سبک‌تر «ترجیح ادله» است که امکان بررسی دوباره و حتی ابطال اختراعاتی را فراهم می‌کند که قبلاً در اداره ثبت اختراعات تأیید شده‌اند. این رویکرد، باعث کاهش بار دعاوی قضایی و کاهش هزینه‌های مربوط می‌شود و روند رسیدگی را نسبتاً سریع‌تر و تخصصی‌تر می‌سازد. همچنین استقلال مراجع اداری و امکان صدور آرا متعارض با دادگاه‌ها، انعطاف بیشتری در فرایند حمایت از حقوق مالکیت فکری ایجاد می‌کند. با این حال، این نظام ممکن است با چالش‌هایی مانند طولانی شدن فرایند به دلیل اعتراضات متعدد و احتمال صدور آرا متعارض مواجه شود که می‌تواند به سردرگمی حقوقی منجر شود. در مقابل در نظام حقوقی ایران، هیئت رسیدگی به اختلافات ثبت مالکیت صنعتی بیشتر نقش رسیدگی به اعتراضات پیش از ثبت و هنگام ثبت را بر عهده دارد و تنها پس از گذشت نه ماه از

صدور اختراع، حق اظهارنظر درباره ثبت قطعی آن را دارد. آرا این هیئت در مراجع قضایی بدوی، قابل اعتراض است. از نقاط قوت این نظام می‌توان به سرعت نسبی فرایند در مقایسه با دادرسی‌های قضایی عادی و نقش مؤثر هیئت در پیشگیری از ثبت اختراعات فاقد شرایط اشاره کرد. با این حال، محدودیت در قابلیت ابطال قطعی اختراعات توسط مراجع اداری، نبود فرایند تخصصی بازنگری جامع مشابه PTAB و تکیه بر قوانین عمومی دادرسی اداری، از نقاط ضعف این نظام محسوب می‌شود. به‌طور کلی، تفاوت‌های ساختاری و رویه‌ای این دو نظام می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر روند حمایت از حقوق مالکیت فکری داشته باشد و هر یک با نقاط قوت و ضعف خاص خود، فرصت‌ها و چالش‌هایی را پیشروی دارند.

در مجموع، نظام حقوقی آمریکا با اعمال معیار اثبات سخت‌گیرانه، حمایت مؤثرتری از حقوق مخترعان فراهم می‌آورد، اما این موضوع گاهی منجر به افزایش هزینه و طولانی شدن دادرسی می‌شود. در مقابل، نظام حقوقی ایران با معیار اثبات انعطاف‌پذیر، امکان دادرسی سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر را فراهم می‌کند، اما به‌طور بالقوه ریسک‌پذیرش اختراعات ضعیف و سوءاستفاده افزایش می‌یابد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد نظام حقوقی ایران باید با بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی و با توجه به ظرفیت‌های داخلی، معیار اثبات روشن‌تر و مدون‌تری برای دعاوی ابطال اختراع تدوین کند تا ضمن حفظ سرعت و کارایی دادرسی، حمایت متوازن و مناسبی از حقوق مخترعان حاصل شود. این اقدام می‌تواند به ارتقای کیفیت ثبت اختراعات و تقویت نظام مالکیت فکری در کشور، کمک شایانی کند.

ازاین‌رو، به نظر می‌رسد نظام حقوقی ایران در این حوزه، نیازمند تدوین ضوابط دقیق و روشنی برای تعیین میزان بار اثبات در دعاوی ابطال اختراع است؛ لذا پیشنهاد می‌شود:

- قانون‌گذار با بهره‌گیری از تجارب نظام‌های حقوقی پیشرفته، معیارهای اثبات در دعاوی اختراع را به‌طور شفاف تعریف و تفکیک کند؛

- مراجع قضایی در آرای خود، به صراحت سطح اثبات مورد انتظار را بیان کنند تا رویه قضایی واحد و راهگشا شکل گیرد؛
- کارشناسی فنی به عنوان ابزاری کمکی، در کنار تحلیل قضایی مورد استفاده قرار گیرد، نه به عنوان جایگزین آن؛ و قانون گذار می بایست با وضع قانون صریح احتمال قصور کارشناسان را به حداقل برساند (السان و منوچهری، ۱۳۹۷: ۴۹).
- برنامه های آموزشی تخصصی برای قضات، در حوزه دعای فنی و اختراع، طراحی شود تا توانایی تحلیل و ارزیابی مستقل حقوقی در این زمینه ها تقویت شود؛
- اداره ثبت اختراع ایران، امکانات لازم را فراهم آورد تا با انجام بررسی ها و جستجوهای دقیق، «اختراعات طلایی» صادر شود؛ به گونه ای که در صورت طرح دعوی ابطال، صرفاً با ارائه دلایل روشن و قانع کننده، امکان ابطال وجود داشته باشد و دادگاه ها نیز در صورت وجود چنین گواهی هایی، طرف مقابل را ملزم به ارائه مدارک مستدل کنند.

در نهایت، می توان اذعان داشت که نظام حقوقی ایران در حوزه ابطال اختراع، با وجود پیشرفت های تقنینی در سال ۱۴۰۳، همچنان با چالش های اساسی در زمینه معیارهای اثبات مواجه است که باید در اصلاحات آتی مورد توجه قرار گیرد. فقدان تبیین روشن معیار بار اثبات در دعای ابطال اختراع، منجر به وابستگی افراطی به نظر کارشناسان و تضعیف نقش تحلیلی قاضی شده است. نبود معیارهای شفاف، نه تنها وحدت رویه قضایی را مخدوش می سازد، بلکه امنیت حقوقی فعالان عرصه اختراع را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. این شرایط ضرورت تدوین ضوابط مشخص، تقویت تحلیل حقوقی در کنار کارشناسی فنی و ارتقای توانمندی تخصصی قضات را برجسته می سازد.

فرجام سخن

استفاده از معیار اثبات «روشن و قانع کننده» در نظام حقوقی ایالات متحده، باهدف حمایت از ثبات حقوقی دارندگان اختراع، در عمل موجب دشواری ابطال اختراعات

ضعیف شده است؛ به گونه‌ای که تعادل میان حقوق مخترعان و فعالان اقتصادی تا حدی به نفع مخترعان برهم خورده است.

طراحی و توسعه رویه‌های اداری برای ابطال اختراعات، به‌ویژه پس از تصویب قانون ابتکارات آمریکا، پاسخی ساختاری به محدودیت‌ها و پیچیدگی‌های فرایندهای قضایی بوده است. درحالی‌که مراجع قضایی با فرض اعتبار اختراع و اعمال معیار سخت‌گیرانه شواهد روشن و قانع‌کننده به‌ندرت منجر به ابطال اختراعات می‌شوند، مراجع اداری مانند هیئت دعاوی و تجدیدنظر اختراعات با به‌کارگیری معیار سبک‌تر «ترجیح ادله» و بدون فرض اعتبار، بستری کم‌هزینه‌تر، سریع‌تر و مؤثرتر برای بازنگری و ابطال اختراعات ضعیف فراهم ساخته‌اند. این تفاوت رویه، موجب گرایش روزافزون خوانندگان دعاوی نقض، به استفاده از مسیرهای اداری شده و در عین حال، احتمال صدور آرا متعارض میان مراجع قضایی و اداری را افزایش داده است. با این حال، به نظر می‌رسد در مراجع اداری، حداقل در برخی موارد، تعادل به نفع فعالان اقتصادی برهم خورده است؛ به‌ویژه زمانی که اختراعی به نحو مطلوب در اداره ثبت اختراع مورد بررسی قرار گرفته است.

تحلیل دیدگاه موافقان نشان می‌دهد که ایشان، معیار سخت‌گیرانه شواهد روشن و قانع‌کننده را مانعی در برابر دعاوی واهی ابطال می‌دانند و معتقدند این معیار، از تضعیف اعتماد عمومی به نظام ثبت اختراع جلوگیری می‌کند. با این وجود، اعمال این معیار سخت ممکن است تعادل میان حقوق مخترعان و فعالان اقتصادی را به نفع مخترعان برهم زند، به‌خصوص هنگامی که اختراعی به‌طور شایسته در اداره ثبت اختراع مورد بررسی قرار نگرفته باشد.

بررسی انتقادات وارد بر فرض صحت اختراع و معیار اثبات سخت‌گیرانه، نشان می‌دهد که به‌کارگیری این معیار در همه شرایط می‌تواند کارایی نظام ثبت اختراع و حمایت‌های قانونی را کاهش دهد. در شرایطی که فرایند ثبت با کاستی‌های ساختاری همراه است و احتمال صدور اختراعات ضعیف یا فاقد اعتبار وجود دارد، بازنگری در

حدود و نحوه اعمال فرض صحت و معیار اثبات ضرورت اجتناب ناپذیری دارد. تنها زمانی می توان از موفقیت معیار اثبات سخت تر اطمینان داشت که اختراعات به صورت مطلوب، مورد بررسی قرار گرفته باشند و اختراعات «طلایی» صادر شده باشند.

وضعیت معیار اثبات در دعاوی ابطال ثبت اختراع، در حقوق ایران نیز بیانگر خلأ جدی در نظام تقنینی و قضایی کشور است. فقدان تصریح قانونی درباره سطح بار اثبات، موجب شده فرایند رسیدگی بیش از حد به نظر کارشناسان فنی متکی باشد و نقش تحلیلی قاضی در سنجش و ارزیابی ادله حقوقی تضعیف شود. این وابستگی، نه تنها وحدت و انسجام رویه قضایی را تهدید می کند، بلکه پیش بینی پذیری و امنیت حقوقی مخترعان و ذی نفعان را نیز کاهش می دهد.

از این رو، ضرورت دارد قانون گذار با الگو گیری از نظام های پیشرفته، به ویژه ایالات متحده، معیارهای دقیق و تفکیک شده ای برای اثبات دعاوی ابطال طراحی کند و قوه قضائیه نیز با ارتقای دانش فنی و حقوقی قضات، نقش فعال تری در داوری میان ادله ایفا کند تا فرایند رسیدگی از اتکای صرف به کارشناسان فاصله بگیرد و به نظامی منسجم و متعادل نزدیک شود.

نگارنده پیشنهاد می کند اداره ثبت اختراع ایران، امکاناتی را فراهم آورد تا با درخواست متقاضیان، بررسی های دقیق تر صورت گیرد و با صدور گواهی های خاص، اطمینان خاطر مخترعان فراهم شود که حقوق آن ها در دادگاه ها به آسانی متزلزل نخواهد شد و طرف مقابل برای اثبات ادعای خود نیازمند مدارک شفاف و قانع کننده باشد.

منابع

- افراسیاب، محبوب (۱۴۰۰). مالکیت صنعتی در نظام حقوقی ایران با تأکید بر رویه قضایی (علامت تجاری، طرح صنعتی، اختراع)، تهران: علم و دانش.
- السان، مصطفی، منوچهری، محمدرضا (۱۳۹۷). ارزیابی اصالت ادله الکترونیکی و ارزش اثباتی آن ها. مطالعات حقوقی، ۱۰(۲)، ۲۹-۵۱. 10.22099/jls.2018.28058.2765

- الماسی، نجاد علی و همکاران (۱۴۰۳). نشانه‌شناسی دلیل به لحاظ کاشفیت واقع در دادرسی مدنی. مطالعات حقوقی، ۱۶(۴)، ۲۴۸-۲۲۱. ۲۲۰۹۹/۱۰.۲۲۰۹۹.۲۲۱-۲۴۸. jls.2023.48422.5016
- بهادری جهرمی، زهرا (۱۴۰۰). اصل اعتبار گواهینامه ثبت اختراع و اعمال آن در نظام حقوقی ایران، مجله حقوق خصوصی، ۱۸(۱)، ۲۰۳-۲۲۵. 10.22059/jolt.2020.304048.1006862
- دلیر، رضا، دلشاد معارف، ابراهیم و امینی، عیسی (۱۴۰۲). ارزیابی دلیل و ضابطه اثبات در داوری تجاری بین‌المللی، دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ۱۰(۱)، ۲۴۵-۲۶۶. <https://doi.org/10.22096/law.2023.531944.1894>
- رحیمی، حبیب‌الله، خدا رحمی، نسرين (۱۴۰۲). اثر عدم قطعیت بر انگیزه عامل زیان در مسئولیت مبتنی بر تقصیر با رویکرد اقتصادی، مطالعات حقوقی، ۱۸(۲)، ۲۱۳-۲۵۶، ۱۰. jls.2023.44408.4784/۲۰۹۹
- میدانی، سید حسین (۱۳۹۱). ضابطه یا استاندارد دعوی در رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری، فصلنامه حقوق: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۲ (۱)، ۱۶۱-۱۷۹. 10.22059/jlq.2012.29822
- ملاولی، مهدی (۱۴۰۱). حد لازم برای دلیل‌آوری و نیل به آستانه اثبات در فقه اسلامی و نظام‌های حقوقی، مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۵(۱)، ۳۰-۱. <https://doi.org/10.30495/jijl.2022.68721.15>

آرا

- دادگاه تجدیدنظر استان تهران (۱۳۹۱، ۲ آبان). رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۰۲۸: معیار صحت ثبت اختراع جدید در مقایسه با اختراعات قبلی. (تاریخ مشاهده ۲۸/۵/۱۴۰۴) در <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/446>
- دادگاه تجدیدنظر استان تهران (۱۳۹۴، ۵ اردیبهشت). رأی شماره ۹۱۰۹۹۸۰۲۲۶۳۰۰۶۹۴: شرایط اختراع قابل ثبت (رأی قطعی). (تاریخ مشاهده ۲۸/۵/۱۴۰۴) در <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/31106>
- دادگاه تجدیدنظر استان تهران (۱۳۹۵، ۲۳ فروردین). رأی شماره ۹۲۰۹۹۸۰۲۲۶۳۰۰۵۶۳: وصف محصول دارای قابلیت ثبت اختراع. (تاریخ مشاهده ۲۸/۵/۱۴۰۴) در <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/31106>

References

- Afrasiyab, M. (2021). *Industrial property in Iran's legal system with Emphasis on Judicial Practice (Trademark, Industrial Design, Invention)*. Tehran: Elm va Danesh. [in Persian]
- Al-Masi., et al. (2024). A Semiotic Research in Uncovering Truth Through Evidence in Civil Procedure. *Journal of Legal Studies*, 16(4), 221–248. 10.22099/jls.2023.48422.5016, [In Persian]
- Alsan, M., & Manouchehri, M. R. (2018). Evaluation of the Authenticity of Electronic Evidence and its Probative Value. *Journal of Legal Studies*, 10(2), 10.22099/jls.2018.28058.2765 [In Persian]
- American Intellectual Property Law Association (2018). AIPLA's model Patent Jury Instructions, (Visited on: 08/21/2025), Available at: <https://www.aipla.org/detail/jury-instructions>
- American Intellectual Property Law Association (2024). AIPLA's model Patent Jury Instructions (2024 ed.). (Visited on: 08/21/2025), Available at: <https://www.aipla.org/default-source/2024>
- Bahadori Jahromi, Z (2021). The principle of patent validity and its Implementation in the Iranian legal system. *Private Law Journal*, 18(1), 203–225. <https://doi.org/10.22059/jolt.2020.304048.1006862>. [in Persian]
- Bock, J. W (2014). An Experimental Assessment of the Presumption of Validity [Unpublished manuscript]. UC Berkeley School of Law. (visited on: 08/21/2025), Available at: https://www.law.berkeley.edu/files/Bock_Jeremy.pdf
- Conway, M. J (2018). i4i makes the Patent World Blind. *The University of Chicago Law Review*, 85(6), 1463–1495.
- Dalir, R., Delshad Maaref, E., & Amini, E. (2023). Evaluation of Evidence and the Standard of Proof in International Commercial Arbitration. *Comparative Law Review*, 10(1), 245–266, <https://doi.org/10.22096/law.2023.531944.1894>, [In Persian].
- Dubis, J. W. (2015). Inter partes review: A multi-method comparison for challenging patent validity. *Cybaris®*, 6(2), Article 4. (visited on: 08/21/2025), Available at <https://open.mitchellhamline.edu/cybaris/vol6/iss2/4>
- Guerra, A., & Kundu, T. (2024). Presumption of Patent Validity and Litigation Incentives. (Visited on: 08/21/2025), Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3477505>, <https://doi.org/10.2139/ssrn.3477505>
- Guerra, A., Luppi, B., & Parisi, F. (2018). Standards of Proof and Civil Litigation: A Game-Theoretic Analysis. Faculty Scholarship, University of Minnesota Law School. (visited on: 08/21/2025). Available at

- https://scholarship.umn.edu/faculty_articles/1735/, 10.1515/bejte-2017-0005
- Gugliuzza, P. R. (2021). Law, Fact, and Patent Validity (Temple University Legal Studies Research Paper No. 2020-11). *Iowa Law Review*, 106, 607. (visited on: 08/21/2025. Available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3583043)
- Gugliuzza, P. R. (2022). Patent Law's Deference Paradox. *Minnesota Law Review*, 106(6), 1397–1448. Visited on: 08/21/2025. Available at https://minnesotalawreview.org/wp-content/uploads/2022/04/5-Gugliuzza_Web.pdf
- Matal, J. (2023, November 8). Statement of Joseph Matal, Clear IP, LLC: Reforming the Patent Trial and Appeal Board—The PREVAIL Act and Proposals to Promote U.S. Innovation Leadership. U.S. Senate Committee on the Judiciary. Visited on: 08/21/2025. Available at https://www.judiciary.senate.gov/hearings/reforming-the-patent-trial-and-appeal-board_the-prevail-act-and-proposals-to-promote-us-innovation-leadership
- Meidani, S. H. (2012). The Standard of Proof in the Jurisprudence of the International Court of Justice. *Quarterly Journal of the Faculty of Law and Political Science*, 42(1), 161–179, 10.22059/jlq.2012.29822, [In Persian].
- Mollavali, M. (2022). The Required Standard of Proof and the THreshold of Evidence in Islamic Jurisprudence and legal Systems. *Foundations of Islamic Jurisprudence and Law*, 15(1), 1–30. <https://doi.org/10.30495/fijl.2022.68721.1>, [In Persian].
- Rahimi, H., & Khodarahmi, N. (2023). The Impact of Uncertainty on the Incentive of the Injurer in Fault-based Liability with an Economic Approach. *Journal of Legal Studies*, Vol 15 (Issue 12), 122-145. 10.22099/jls.2023.44408.4784, [In Persian]
- Reilly, G. (2022). The Justiciability of Cancelled Patents. *Washington and Lee Law Review*, 79(1), 253–308. (Visited on: 08/21/2025). Available at <https://scholarlycommons.aw.wlu.edu/wlulr/vol79/iss1/6>
- Rollor, C. R. (2013). Logic, not Evidence, Supports a Change in Expert Testimony Standards: Why Evidentiary Standards Promulgated by the Supreme Court for Scientific Expert Testimony are Inappropriate and Inefficient when Applied in Patent Infringement Suits. *Journal of Business & Technology Law*, 8(1), Article 20. (visited on: 08/21/2025). Available at <https://digitalcommons.aw.umaryland.edu/iss1/20>
- Seaman, C. B. (2015). Empirical Studies relating to Patents - Presumption of Validity. In P. Menell, D. Schwartz, & B. Depoorter (Eds.), *Research handbook on the Economics of Intellectual Property Law - Vol. II:*

- Analytical Methods (Forthcoming). Edward Elgar. (Visited on: 08/21/2025). Available at <https://ssrn. om/abstract=2671581>
- Vishnubhakat, S. (2022). Patent Inconsistency. Indiana Law Journal, 97, 59. (visited on: 08/21/2025). Available at <https://scholarship. aw.tamu.edu/facscholar/1530>

Cases

- Court of Appeals of Tehran Province (2012, October 23). Judgment No. 9109970221201028: Criteria for Validity of new Patent Registration compared to Prior Inventions. National Judicial Opinions System of Iran. (visited on: 08/21/2025). Available at <https://ara. ri.ac.ir/Judge/Text/446> [in Persian]
- Court of Appeals of Tehran Province (2015, April 25). Judgment No. 9109980226300694: Conditions for a Patentable Invention (Final Judgment). National Judicial Opinions System of Iran. (visited on: 08/21/2025). Available at <https://ara. ri.ac.ir/Judge/Text/31106> [in Persian]
- Court of Appeals of Tehran Province (2016, April 11). Judgment No. 9209980226300563: Description of a Product with Patentability. National Judicial Opinions System of Iran. (visited on: 08/21/2025). Available at <https://ara. ri.ac.ir/Judge/Text/31106> [in Persian]
- Microsoft Corp. v. i4i Ltd. Partnership, 564 U.S. 91 (2011). Docket No. 10-290. (visited on: 08/21/2025). Available at <https://supreme. ustia.com/cases/federal/us/564/91/>